

بررسی عوامل مؤثر بر نیاز به مسکن با تأکید بر تغییر شکل خانواده و مراحل دور زندگی در شهر نی ریز

زهرة ثواب^۱

چکیده

هدف عمده این پژوهش « بررسی عوامل مؤثر بر نیاز به مسکن با تأکید بر تغییر شکل خانواده و مراحل دور زندگی » می‌باشد. روش مورد استفاده، روش پیمایشی و ابزار گردآوری اطلاعات، آمار و منابع موجود، پرسشنامه و مصاحبه بوده است. جامعه آماری این پژوهش، خانوارهای ساکن در شهر نی ریز، در سال ۱۳۸۶ می باشد که شامل ۱۱۵۱۲ خانوار بوده است. مبنای نظری این پژوهش با نظریه های تکامل گرایان که معتقد به تغییر شکل خانواده در طول تاریخ هستند، همچنین مکتب کارکرد گرایی از جمله پارسونز که معتقد است تغییر شکل خانواده از گسترده به هسته ای الزامات جدیدی برای خانواده بدنبال دارد، و نظریه های رین واتر، آبرامز، پال و ساندرز در رابطه با مسکن در ارتباط است. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۳۸۰ نمونه برآورد شده است و روش نمونه گیری، نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای بوده است. تجزیه و تحلیل اطلاعات با استفاده از نرم افزار « SPSS » و از طریق آمار توصیفی از جمله آمار توزیع فراوانی و آمارهای استنباطی بوسیله آزمون t، آزمون تحلیل واریانس (F) انجام شده است. و حاکی از آن است که بین تغییر شکل خانواده، گردش مراحل دور زندگی، وضعیت اقتصادی، نوع شغل رئیس خانوار، منزلت اجتماعی و نیاز به مسکن رابطه معنی داری وجود دارد.

واژگان کلیدی

نیاز به مسکن، تغییر شکل خانواده، گردش مراحل دور زندگی، وضعیت اقتصادی، نوع شغل رئیس خانوار، منزلت اجتماعی

مقدمه

از نخستین مراحل زندگی یکجانشینی بشر تا به امروز، مسکن همواره یکی از نیازهای اساسی انسان بوده است. با این حال امروز کمتر جامعه‌ای چه در کشورهای پیشرفته و چه در کشورهای در حال توسعه پیدا می‌شود که بتواند مدعی حل ریشه‌ای معضل مسکن در ابعاد کمی و کیفی آن باشد. بررسی‌های مقدماتی حاکی است نیاز به مسکن با افزایش جمعیت تشدید و با کاهش آن تعدیل می‌شود و این نکته‌ای است که کمتر مورد عنایت برنامه‌ریزان قرار گرفته و در این میان افزایش نسبت شهرنشینی نیز بعد خانوار در کل جامعه را تقلیل داده و بر سرعت رشد آن می‌افزاید. در این مقاله بر آنیم تا عوامل مؤثر بر نیاز به مسکن را با تأکید بر تغییر شکل خانواده و مراحل دور زندگی در شهر نی‌ریز بررسی نماییم. چون جمعیت عامل اصلی ایجاد تقاضای بالقوه برای مسکن است، کلیه عواملی که سبب تغییر در جمعیت می‌گردند، بر تقاضای مسکن نیز تأثیر می‌گذارند. در کل متغیرهایی که بر تقاضای مسکن اثر می‌گذارند عبارتند از: رشد جمعیت، مهاجرت و شهرنشینی، تغییر شکل خانواده، مراحل دور زندگی، درآمد خانوار و ... با توجه به متحول شدن ساختار و شکل خانواده از گسترده به هسته‌ای، در زندگی شهری امروز، بندرت می‌توان خانواده‌هایی را دید که همچنان با پدر بزرگ و مادر بزرگ و یا عمو و دایی در زیر یک سقف زندگی کنند. این مسئله بدنبال مسائلی نظیر مهاجرت‌های شدید روستائیان به شهرها و افزایش تراکم جمعیت در آنها و موانع و مشکلات موجود در شهرها برای گسترش و توسعه منطقی و عقلانی، مسئله مسکن را به یکی از حادترین مشکلات مبدل ساخته است. یکی دیگر از متغیرهایی که در این پژوهش بر آن تأکید شده است مراحل دور زندگی^۱ می‌باشد. هر خانواده در

۱- مهمترین تفاوت خانواده هسته‌ای با انواع دیگر خانواده، جدایی محل تولید و محل زندگی است. یک خانواده هسته‌ای خانواده‌ای نو مکان است که با ازدواج یک زوج به وجود می‌آید. خانواده در آغاز تنها شامل زن و شوهر است پس از مدتی فرزند یا فرزندان نیز به خانواده اضافه می‌شود. در این مرحله [معمولاً]

طول عمر خود از مراحل مختلفی عبور می‌کند که اصطلاحاً مراحل عمر خانواده نامیده می‌شود و شناخت آن اهمیت بسیاری دارد زیرا با توجه به این مراحل، سن ازدواج زن و مرد، سن تولد اولین فرزند و سطح تحصیلات فرزندان به معنای خروج آنها از خانواده و امید زندگی زن و مرد در جامعه را می‌توان بدست آورد.

ادبیات تحقیق

عوامل مؤثر بر نیاز به مسکن

رشد جمعیت و رشد خانوار

از آنجا که هر واحد مسکونی محل سکونت یک خانوار به حساب می‌آید تقاضای مسکن بر حسب تعداد خانوار محاسبه می‌گردد. علل رشد جمعیت و رشد خانوار کاملاً یکسان نیستند. رشد جمعیت تحت تأثیر متغیرهای جمعیتی (موالید، مرگ و میر و مهاجرت) است در حالی که رشد خانوار، گذشته از عوامل مذکور، با تحول شکل خانواده و مراحل دور زندگی خانواده در ارتباط است. تغییر شکل خانواده از گسترده به هسته‌ای ضمن کاهش بعد خانوار سبب رشد بیشتر خانوار نسبت به رشد جمعیت می‌شود. (مهاجرانی، ۱۳۸۵: جزوه درسی) بعد خانوار در ایران از سال ۱۳۵۵ تا سال ۱۳۷۰ روندی افزایشی داشته به نحوی که از ۴/۷۵ نفر در سال ۱۳۵۵ به ۵/۱۷ نفر در سال ۱۳۷۰ رسیده است. با به اجرا در آمدن برنامه‌های کنترل جمعیت از اواخر سال‌های دهه ۱۳۶۰ از سال ۱۳۷۰ بعد خانوار مجدداً کاهش پیدا کرده است. (دانش جعفری و دیگران، ۱۳۷۵: ۵۳۰) اثر گذاری دیگری که از طریق جمعیت بر تعداد واحدهای مورد نیاز تحمیل می‌شود اثر ساخت جمعیت بر

مشکلات اقتصادی خانواده افزایش می‌یابد و زوج جوان برنامه‌ریزی زندگی بهتر را شروع می‌کنند. زیرا نه تنها با تولد کودکان مشکلات اقتصادی افزایش می‌یابد، بلکه مسکن آنها نیز فضای کافی ندارد. اما معمولاً خانواده در مرحله ای که فرزندان به ۱۴ سالگی یا بیشتر رسیده اند به مسکن مناسب دست می‌یابند، که شروع مرحله خروج فرزندان از خانواده و تشکیل خانواده فرزندیاب است. (اعزازی، ۱۳۸۰: ۱۰۵-۱۰۷)

آن است و در این زمینه بیش از همه از تعداد ازدواج‌های جدید بحث می‌شود که در شرایط مختلف از سیاست‌های جمعیتی گذشته به بار می‌آید. (زنجان، ۱۳۷۳: ۳۴۰)

تغییر شکل خانواده

در جامعه‌شناسی، خانواده به عنوان یک نهاد اصلی اجتماعی که دارای حیات ویژه‌ای است با روش علمی مورد مطالعه قرار می‌گیرد و چگونگی پیدایی خانواده و تطوّر و دگرگونی‌های آن در طول تاریخ تعیین می‌شود. در جامعه‌های امروز خانواده دستخوش تغییرات ناهماهنگی قرار گرفته و به تدریج شکل قدیمی خود را از دست می‌دهد و به گونه‌ی جدیدی تطوّر می‌یابد، در نتیجه در کارکردهای خانواده تغییراتی ناهماهنگ با تغییرات ساختی آن پدید می‌آید. (وثوقی و دیگران، ۱۳۷۰: ۱۶۰)

تغییر شکل خانواده از گسترده به هسته‌ای به معنی خرد شدن خانواده‌های بزرگ و گسترده و پیدایش خانواده‌های جدیدی است که به مسکن تازه احتیاج دارند. افزایش جمعیت شهری در دهه (۷۵ - ۱۳۶۵) به میزان ۹/۹ میلیون نفر و تعداد خانوارها ۴/۲ میلیون خانوار بوده است در حالیکه در دهه (۱۳۶۵-۱۳۵۵) افزایش جمعیت کشور به میزان ۱۱/۱ میلیون نفر و افزایش خانوارها ۲/۲ میلیون خانوار بوده است که به معنای افزایش شمار خانوارهای کوچکتر، احتمالاً خانوارهای ۱ و ۲ نفره و خانوارهای با بعد کوچک است که در الگوی سکونت تأثیر می‌گذارد. همانگونه که خانواده‌های متأهل با گزینش الگوی خانوار هسته‌ای فقط شامل پدر، مادر و فرزندان می‌باشند، افراد مجرد نیز با آغاز مقدمات استقلال فرد از خانوار مثل آغاز زندگی دانشجویی یا اشتغال بکار که بعضاً بدور از شهری که خانواده آنها در آن ساکن می‌باشند همچنین سالخوردگان که پایان دوره زندگی را به دلیل عدم علاقه یا عدم امکان زندگی با فرزندان یا بستگان نزدیک خود، نیاز به سرپناهی ویژه دارند. این نوع خانوارهای مستقل را هم باید به تقاضای مسکن افزود.

(سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۱: ۴۳)

مراحل دور زندگی

مهمترین تفاوت خانواده هسته ای با انواع دیگر خانواده، جدایی محل تولید و محل زندگی است. در یک خانواده گسترده، اصل تولید، اساس تجمع افراد خانواده بود و اعضاء مختلف خانواده در انجام فعالیت تولیدی دخالت داشتند. یک خانواده هسته ای خانواده ای نو مکان است که با ازدواج یک زوج به وجود می آید. خانواده در آغاز تنها شامل زن و شوهر است پس از مدتی فرزند یا فرزندان نیز به خانواده اضافه می شود و خانواده شامل زن، شوهر و فرزندان می شود. در مرحله ای که فرزندان بدنی می آیند مشکلات اقتصادی خانواده بعضاً افزایش می یابد، در این مرحله معمولاً زوج جوان برنامه ریزی زندگی بهتر را شروع می کنند. زیرا نه تنها با تولد کودکان مشکلات اقتصادی افزایش می یابد، بلکه مسکن آنها نیز فضای کافی ندارد. اما معمولاً خانواده در مرحله ای که فرزندان به ۱۴ سالگی یا بیشتر رسیده اند به مسکن مناسب دست می یابند، که شروع مرحله خروج فرزندان از خانواده و تشکیل خانواده فرزند یاب است. یعنی اکثر خانواده ها حداکثر چند سال با فرزندان خود در مسکنی با فضای مناسب و کافی زندگی می کنند، سپس فرزندان از خانه جدا می شوند و زوج در میانسالی در خانه ای بیش از حد نیاز، تنها می مانند. از دید جامعه شناسی به خصوص تغییراتی که در نقش اعضاء خانواده در مراحل مختلف به وجود می آید، مهم است. با توجه به مراحل عمر خانواده نقش زن و مرد و وظایفی که هر یک بر عهده می گیرند در طول زمان تفاوت پیدا می کند. تغییر در نقش ها و وظایف باعث ایجاد مسائلی می شوند که باید به آنها پرداخت. (اعزازی، ۱۳۸۰: ۱۰۷-۱۰۵)

افزایش نسبت شهر نشینی

یکی از نتایج دموگرافیک مهاجرت روستائیان به شهرها افزایش نسبت شهرنشینی است. رشد طبیعی جمعیت شهری به دلیل پایین تر بودن نسبی سطح باروری در شهر از رشد طبیعی جمعیت روستایی کمتر است. ولی مهاجرت های

روستایی به شهرها سبب افزایش رشد جمعیت شهری شده است. از آنجا که روند افزایش نسبت شهر نشینی به تمرکز جمعیت در شهرهای بزرگ انجامیده است، مسئله مسکن در این گونه شهرها، بیشتر نمایان می‌شود. (مهاجرانی، ۱۳۸۵: جزوه درسی)

مبانی نظری تحقیق

نظریه های مربوط به تغییر شکل خانواده

روند تکامل تاریخی و اجتماعی و بررسیهای انجام گرفته در زمینه خانواده در کشور ما و جوامع مختلف جهان حاکی از آن است که دگرگونی خانواده و ازدواج و تغییر کیفیت آنها غیر قابل انکار است و در تمام جوامع، کم و بیش، اشکال سنتی خانواده و زناشویی به تدریج از میان می‌روند و جای خود را به اشکال نوینی می‌دهند. (تقوی، ۱۳۷۶: ۸۴)

دیدگاههای مختلف در مورد نحوه توسعه و تحول خانواده

مکتب تکامل گرایی

پیشتازان نگرش تکاملی در علوم اجتماعی، مورگان، باخوفن، مین، مک‌لنن، تیلور و فریزر بودند که به گروه «تکامل گرایان کلاسیک» معروف هستند. این دانشمندان تحت تأثیر نظریه «توسعه و تکامل» کوشیدند با استفاده از گزارشهای تاریخی و داده‌های قوم‌نگاری به یک قانون کلی و انتظام مشترک در مسیر حیات جوامع بشری از جمله در زمینه نهاد خانواده برسند. (همان: ۱۶) مورگان خانواده را جزئی از نظام کلی جامعه میدانند و حرکت خانواده در طول تاریخ را در جوامع گوناگون دارای نظم مشخص، مستمر و به سوی ارتقاء و تعالی می‌داند. هر مرحله از پس مرحله دیگری می‌آید و گریزی از این توالی نیست. وی به همزمانی انواع گوناگون خانواده معتقد نیست، یک نوع خانواده تکوین می‌یابد، دوران خود را می‌گذراند و سپس جای خود را به نوعی دیگر می‌دهد. (ساروخانی، ۱۳۷۹: ۱۴۶)

باخ اوفن نیز به تکامل در خانواده توجه دارد. از دید او در ابتدا، انسان به شکل گروهی زندگی می‌کرد، سپس به مرحله‌ای از شکل خانوادگی رسید که در آن مادران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بودند (مادرسالاری) و پس از آن به مرحله (پدرسالاری) رسیدند. او نتیجه گرفت که شکل خانواده پدرسالار تنها شکل زندگی خانوادگی نبوده بلکه پس از تکامل اشکال مختلف، خانواده به شکل خانواده گسترده پدرسالار رسیده است. (اعزازی، ۱۳۸۰: ۱۴)

مکتب کارکردگرایی

یکی از جامعه‌شناسانی که نظریه خود را در قالب کارکرد خانواده مطرح کرده است، پارسونز^۱ می‌باشد. از دیدگاه پارسونز خانواده و رابطه آن با جامعه تحت تأثیر عوامل مختلف همواره در حال تغییر است. از دیدگاه کارکردی پارسونز تغییرات در ساختار فعالیت‌های خانواده، نشان دهنده تطبیق‌پذیری خانواده با تغییر در سایر ابعاد خانواده است. پارسونز خانواده را به عنوان واحد تکاملی می‌داند که در جریان تکامل خود بسیاری از وظایف خود را از دست داده است و در مقابل با نیازهای جدیدی مواجه گردیده است. از نظر وی تحول نوگرایی باعث شده تا نظام خویشاوندی تا حد زیادی از هم گسسته شده و به دنبال آن خانواده هسته‌ای ظاهر گردد. این امر وظایف و الزامات جدیدی را برای خانواده به دنبال آورده است. (شیخی، ۱۳۸۰: ۴۸-۴۵)

^۱ - Parsonz

نظریه های مربوط به چرخه زندگی خانواده

نظر دووال و میلر^۱ در رابطه با چرخه زندگی خانواده:

« دووال » و « میلر » (۱۹۸۵) چرخه زندگی خانواده و یا فرایند تحول و تکوین خانواده را به ۸ مرحله تقسیم می کند: بنیانگذاری خانواده، به دنیا آوردن نوزاد، خانواده هایی با کودک پیش دبستانی، خانواده هایی با کودکان مدرسه رو، خانواده هایی دارای نوجوان، خانواده هایی با کانون جدایی، خانواده هایی در سنین میانه، خانواده های مسن. در طی هر مرحله از چرخه زندگی خانواده، وظایف مشخصی را که متوجه هر کدام از افراد خانواده است، می توان تشخیص داد. چنین وظایفی اگر بعداً موجب بروز مشکلاتی نشوند، باید انجام پذیرند. بنابراین زوجهایی که در مرحله یک « دووال » خانواده را بنیان می نهند، باید برای رسیدن به مراحل زیر تلاش کنند: مرحله سکونت، درآمد، ارتباطی کارساز با دیگر اعضای خانواده، توافق بر اینکه چه کسی چه کاری را انجام دهد و چه کسی جوابگوی دیگری باشد، زندگی جنسی و سیستم ارتباطی موفق، ارتباطی کارساز با دیگر اعضای خانواده، برخی سیستم های همکاری موفق با دوستان و همکاران خارج از خانواده، چند فلسفه کارساز برای زندگی.

اگرچه، بعضی بحثهای مرتبط با ساختارهای جدید خانواده بسیار پیچیده اند، چرخه زندگی « دووال » در مورد اغلب خانواده ها صدق می کند. آگاهی در مورد چرخه زندگی خانواده، رفتار مفیدی برای فهم موانع تعادل خانواده است. (بیرامی، ۱۳۷۸: ۲۴-۲۲)

^۱ - Duval & miler

نظریه های مربوط به مسکن

ابعاد گسترده مسکن باعث شده است تا شاخه‌های علمی مختلف به نوعی آن را مورد بررسی قرار دهند. و در هر رشته دانشمندان آن، نظریاتی را در مورد آن بیان داشته‌اند. از نظر امام محمد غزالی، خانه و مسکن یکی از سه اصل دنیا است: «اصل دنیا سه چیز است: طعام، لباس، و مسکن» (غزالی، ۱۳۴۵: ۶۵۶)

جامعه‌شناسی به نام لئولورتی معتقد است: «افراد بی‌خانمان احساس می‌کنند که هویتی نداشته و شخصیت خود را از دست داده‌اند. (دهقان به نقل از کارن، ۱۳۸۲: ۵۷) گاستن باشلارد در کتاب «جنبه شاعرانه فضا» در سال ۱۹۵۸ خانه را «فضای خوشبختی» لقب داده است که در آن استراحت، خودیابی، آرامش و مادرگرایی اهمیت پیدا می‌کند. لوکوربوزیه معتقد است که: «مسکن باید اجتماع افراد خانواده را ممکن ساخته، ضمناً استقلال هر کدام را حفظ کند تا همگان از هم زندگی جدا و مجزایی داشته باشند.» (دهقان به نقل از توسلی، ۱۳۸۲: ۵۷)

نظر ابن خلدون^۱ در رابطه با مسکن

عبدالرحمن ابن خلدون دانشمند بزرگ اسلامی در رابطه با علت ایجاد ساختمان چنین می‌گوید: «بنائی از نخستین صنایع اجتماع شهرنشینی و کهن‌ترین آنهاست و عبارت از شناختن کاریست که بدن انسان برای سکونت و پناهگاه خویش خانه‌ها و جایگاههایی آماده می‌کند. [چه انسان بر سرشتی آفریده شده است که در سرانجام کار و آینده زندگی خود می‌اندیشد و از این رو ناچار است به نیروی اندیشه خود خانه‌هایی که دارای دیوارها و سقف از همه جهات می‌باشد برای جلوگیری از رنج گرما و سرما برگزیند. (ابن خلدون، ۱۳۶۲: ۸۰۶-۸۰۵)

1. Abn khal doon

نظر رین واتر^۱ در رابطه با مسکن

وی با تحلیل شرایط زندگی اجاره‌نشینان معتقد است که: «خانه» عملاً برای طبقات مختلف معانی متفاوت دارد. و از آنجایی که مسکن سرپناهی در مقابل عناصر آزار دهنده محیط خارج است، لذا آن به منزله مکانی برای مردم است که در آن انرژی خود را تجدید می‌کنند و با انرژی‌های جهان خارج مقابله می‌کنند. لذا خانه برای افراد فقیر عمدتاً وسیله‌ای است که افرادی که از بقیه جامعه بریده شده‌اند، می‌توانند در مقابل تهدیدها و حملات بیشتر پناه یابند و خانه برای آنان به معنی دفاع از خود و نزدیکان خود می‌باشد. برای کسانی که رین واتر آنها را «طبقه کارگر سنتی» می‌نامد، بهبود عمومی وضع خانه از اولویت نسبتاً کمتری برخوردار است. این مردمان درآمد خود را برای نیازهای اساسی دیگری مصرف می‌کنند که در آنها مسأله «سلیقه» کمتر مطرح است. از سوی دیگر، این طبقه توجه خود را به حداقل وسایل و لوازم زندگی و به داشتن همسایگان «آبرومند» معطوف می‌سازند. این طبقه کارگر سنتی مایل است در مسکن خود صرفه جویی کند تا مازاد پول خود را برای تأمین نیازها و منافع دیگر مصرف نماید. آنان تلاش بیشتری برای نگهداری مسکن یا آپارتمان خود به عمل می‌آورند تا بالا بردن سطح مسکن خود. (دیکتور، ۱۳۷۷: ۱۷۱-۱۷۰)

نظر آبرامز، مانگین و ترنر^۲ در رابطه با مسکن فقیران:

آبرامز (۱۹۶۴)، مانگین (۱۹۶۷) و ترنر (۱۹۶۹ و ۱۹۶۷) به بهترین وجه عقلانیت فقیران را در زمینه وضعیت مسکن تشریح کرده‌اند. ترنر معتقد است که زندگی افراد فقیر در خانه‌ای با معماری عالی که با نیازها و درآمدهای آنان سازگاری ندارد، چقدر کاری عبث و بیهوده است. وی در یکی از آثار خود گفته

^۱ . Rin Watter

^۲ . Abrames, Mangin, Terner

بود که همه خانواده‌ها سه نیاز اساسی دارند: امنیت، هویت، و امکانات. هر گروه در آمدی محدوده شهر میان این سه نیاز گرایش به ایجاد تعادلی متفاوت دارد. در زمینه مسکن، برای فقیران نزدیکی به محل کار (امکانات) از مالکیت (امنیت) یا سرپناه با معیاری عالی (هویت) ارزشمندتر است. بر خلاف آن، خانواده‌ای با درآمد متوسط ترجیح می‌دهد که خانه‌ای با معیارهای امروزی داشته باشد و دوری از محل کار اهمیت چندانی ندارد. (گیلبرت و دیگران؛ ۱۳۷۵: ۲۱۰ - ۱۹۱)

نظر پال و ساندرز^۱ در رابطه با مسکن

پال در اثرش به نام «تقسیمات کار» شدیداً طرفدار این نکته است که درصد کسانی که دارای شغل تمام وقت و حقوق بگیر هستند به سرعت رو به کاهش است و زندگی مردم و نیز علایق و هویت آنان تا حدود زیاد بر محور روابط خارج از محیط‌های شغلی متمرکز شده است. پال معتقد است خانوارهای مرفه و دارای شغل از خودمختاری و خودبستگی مزبور برخوردار می‌باشند و دلیل آن این است که این قشر از مردم قادرند تجهیزات و وسایل لازم را در اختیار داشته باشند. ساندرز معتقد است: «که خانه نقش مهمی در آگاهی مردم بویژه در احساس «امنیت هستی شناختی» آنان دارد. این معنی دلالت بر این دارد که انسان می‌داند کیست و در کجای جامعه قرار دارد. خانه نقش کلیدی در فراهم ساختن چنین امنیت هستی شناختی ایفا می‌کند. از این گذشته مالک خانه بودن کلید دستیابی به این امنیت است. (دیکنز، ۱۳۷۷: ۱۶۳-۱۶۲)

فرضیات تحقیق: فرضیاتی که در این تحقیق بیان شده عبارتند از:

۱- به نظر می‌رسد بین تغییر شکل خانواده و نیاز به مسکن رابطه معناداری وجود دارد.

۲- به نظر می‌رسد بین گردش مراحل دور زندگی و نیاز به مسکن رابطه معناداری وجود دارد.

۳- به نظر می‌رسد بین وضعیت اقتصادی و نیاز به مسکن رابطه معناداری وجود دارد.

۴- به نظر می‌رسد بین نوع شغل رئیس خانوار و نیاز به مسکن رابطه معناداری وجود دارد.

۵- به نظر می‌رسد بین منزلت اجتماعی و نیاز به مسکن رابطه معناداری وجود دارد.

تعریف متغیرها

نیاز به مسکن نیاز به مسکن مفهومی است اجتماعی که مبین نکات زیر است:

الف) تعادل کمی مطلوب، بین تعداد خانوارها و تعداد واحدهای مسکونی
 ب) کیفیت شرایط مسکن، که نباید پایین تر از معیارهایی باشد که از نظر اجتماعی و بهداشتی پذیرفته شده‌اند. (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۵۷: ۴۷)

تغییر شکل خانواده منظور از تغییر شکل خانواده، تغییر خانواده از گسترده به هسته‌ای است.

مراحل دور زندگی: «دووال» و «میلر» (۱۹۸۵)، در کتاب ازدواج و تحول و تکوین خانواده، چرخه زندگی خانواده و یا فرآیند تحول و تکوین خانوار را به ۸ مرحله تقسیم می‌کنند: بنیانگذاری خانواده، به دنیا آوردن نوزاد، خانواده‌هایی با کودک پیش دبستانی، خانواده‌هایی با کودک مدرسه رو، خانواده‌های دارای نوجوان، خانواده‌هایی با عنوان کانون جدایی، خانواده‌هایی در سنین میانه و خانواده‌های مسن. (بیرامی به نقل از دووال و میلر، ۱۳۷۸: ۲۲)

وضعیت اقتصادی: وضعیت اقتصادی عبارت است از عواملی که نشانگر میزان درآمد، رفاه، مالکیت، نوع شغل و میزان رضایت از آن می‌باشد که بطور کلی پایگاه فرد را تشکیل می‌دهد. (حاجی آقایی، ۱۳۸۲: ۵)

منزلت اجتماعی: منزلت به پایگاهی اجتماعی تلقی می‌شود که فرد در میان یک گروه دارد و به مرتبه اجتماعی یک گروه در مقایسه با دیگر گروه‌ها گفته می‌شود. (کوئن، ۱۳۷۵: ۱۷۹)

شغل: هر فعالیت فکری یا بدنی است که قانوناً مجاز باشد و به منظور کسب درآمد (نقدی، غیر نقدی) صورت گیرد. (مرکز آمار ایران، ۱۳۷۵: ۶)

چهار چوب روش تحقیق

روش و تکنیک تحقیق

روش مورد استفاده در این پژوهش، روش کتابخانه‌ای و پیمایشی می‌باشد. ابتدا با استفاده از منابع مختلف در زمینه موضوع تحقیق، اطلاعات لازم جمع‌آوری شد سپس به منظور گردآوری اطلاعات جامعه آماری از پرسشنامه و مصاحبه استفاده شده است.

جامعه آماری و تعیین حجم نمونه

جامعه آماری این پژوهش را تمامی خانوارهای ساکن در شهر نی‌ریز تشکیل می‌دهند که شامل ۱۱۵۱۲ خانوار در سال ۱۳۸۶ می‌باشد. در این پژوهش برای محاسبه حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شده است و حجم نمونه بدست آمده، ۳۸۰ خانوار می‌باشد. برای نمونه‌گیری از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده شده است.

$$\frac{\frac{t^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left(\frac{t^2 pq}{d^2} - 1 \right)}$$

t = سطح اطمینان ۱/۹۸

N=11512

$p =$ احتمال وجود صفت مورد نظر در جامعه ۰/۵

$n=380$

$q =$ احتمال عدم وجود صفت مورد نظر در جامعه

$d =$ درجه اطمینان یا آلفا یا میزان خطا ۵٪

در این تحقیق برای نمونه گیری، از روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای استفاده شده است .

ابتدا کل شهر که براساس تقسیم بندی شهرداری دارای ۷ منطقه بوده، شناسایی شده است. سپس از بین این هفت منطقه، ۲ منطقه بعنوان منطقه بالا، ۳ منطقه بعنوان منطقه متوسط و ۲ منطقه نیز به عنوان منطقه پایین مشخص شده است. سپس تعداد خانوارهای منطقه مشخص گردیده و از بین خانوارهای هر منطقه با روش نمونه گیری طبقه ای متناسب تعداد خانوارها بعنوان نمونه مشخص شده و انتخاب نمونه ها در هر منطقه بر حسب روش تصادفی ساده صورت گرفته است.

جدول شماره ۴-۱: تقسیم بندی مناطق شهری

مناطق شهری	منطقه بندی	تعداد خانوار	تعداد نمونه
منطقه ۱	منطقه بالا	۳۱۵۱	۱۰۴
منطقه ۲			
منطقه ۳			
منطقه ۴	منطقه متوسط	۵۴۸۳	۱۸۱
منطقه ۵			
منطقه ۶	منطقه پایین	۲۸۷۸	۹۵
منطقه ۷			
جمع		۱۱۵۱۲	۳۸۰

شاخصهای پژوهش

در این پژوهش شاخص سازی بصورت زیر انجام شده است :

نیاز به مسکن

۱. تعداد افراد ساکن در واحد مسکونی
۲. تعداد اتاق
۳. تهیه واحد مسکونی دیگر در صورت زیاد شدن اعضای خانواده
۴. نحوه تصرف واحد مسکونی
۵. مصالح بکار رفته در ساختمان
۶. زیربنای واحد مسکونی
۷. دسترسی به امکانات بهداشتی - درمانی
۸. دسترسی به امکانات تفریحی
۹. دسترسی به مراکز آموزشی - فرهنگی

نوع شغل

۱. شغل سرپرست خانوار
۲. نام شغل
۳. سمت در شغل
۴. داشتن شغل دوم
۵. نام شغل دوم

منزلت اجتماعی

۱. میزان درآمد
۲. نوع شغل
۳. تحصیلات

وضعیت اقتصادی

۱. میزان درآمد ماهیانه
۲. تصرف واحد مسکونی
۳. نحوه مصالح بکاررفته در ساختمان
۴. داشتن اتومبیل شخصی
۵. داشتن موبایل

تغییر شکل خانواده

۱. تعداد فرزندان ازدواج کرده که با والدین زندگی می کنند
۲. زندگی کردن با خویشاوندان

گردش مراحل دور زندگی

۱. تعداد فرزندان

یافته های پژوهش

فرضیه های تحقیق بر اساس نمونه ۳۸۰ خانواری مورد بررسی قرار گرفت و نتایج زیر حاصل شد.

فرضیه شماره ۱: به نظر می رسد بین تغییر شکل خانواده و نیاز به مسکن رابطه معناداری وجود دارد.

جدول شماره ۴-۲: آزمون توزیع t نیاز به مسکن بر حسب تغییر

سطح معناداری sig	df	مقدار t	انحراف معیار	میانگین	فراوانی	تغییر شکل خانواده	
۰/۰۱۳	۳۷۷	-۲/۵۰	۱/۹۵	۱۴/۸۶	۳۱۱	تغییر شکل یافته	نیاز به مسکن
			۱/۸۲	۱۵/۵۰	۶۹	تغییر شکل نیافته	

شکل خانواده

با توجه به داده های جدول شماره (۴-۲) میانگین خانواده هایی که تغییر شکل نیافته هستند (خانواده های گسترده)، (۱۵/۵۰)، بیشتر از میانگین خانواده های هسته ای (۱۴/۸۶) است. بنابراین تفاوت مشاهده شده بین ۲ میانگین براساس آزمون t با مقدار (۲/۵۰-) در سطح ۹۵٪ (p=0/013) معنی دار است، یعنی (p<0/05). بعبارت دیگر نیاز به مسکن خانواده هایی که تغییر شکل نیافته هستند (خانواده های گسترده) بیشتر از خانواده های هسته ای است که تغییر شکل یافته هستند (خانواده های هسته ای).

پارسونز معتقد است: خانواده به عنوان یک واحد تکاملی است که در جریان تکامل خود با نیازهای جدیدی مواجه می گردد. چون معمولاً شکل غالب خانواده، خانواده هسته ای است و نسبت شهر نشینی نیز رو به افزایش است، مسئله مسکن بیشتر نمایان می شود. (شیخی، ۱۳۸۰: ۴۷)

در این پژوهش اکثر خانواده های گسترده عنوان می کردند که معمولاً آن صمیمیت و محبت خاصی که در گذشته بین خانواده ها وجود داشته است هم اکنون در حال کاسته شدن می باشد و آنها (خانواده های گسترده) گرایش بیشتری به زندگی بصورت مجزا دارند و از جمله نیازهای آنان پس از جدایی نیاز به مسکن می باشد.

فرضیه شماره ۲: به نظر می رسد بین گردش مراحل دور زندگی و نیاز به مسکن رابطه معناداری وجود دارد.

جدول شماره ۴-۳: میانگین و انحراف معیار نیاز به مسکن بر حسب گردش
مراحل دور زندگی

مراحل دور زندگی	فراوانی	میانگین	انحراف معیار
بدون فرزند	۳۵	۱۳/۲۳	۱/۸۴
۱ فرزند	۵۵	۱۴/۱۴	۱/۶۷
۲ فرزند	۷۵	۱۵/۰۶	۱/۷۰
۳ فرزند	۵۳	۱۵/۸۶	۱/۸۱
۴ فرزند و بیشتر	۱۶۲	۱۵/۳۰	۱/۸۹
جمع	۳۸۰	۱۴/۹۸	۱/۹۴

جدول شماره ۴-۴: نتایج آزمون تحلیل واریانس نیاز به مسکن بر حسب گردش
مراحل دور زندگی

	مجموع مجزورات	df	میانگین مجزورات	F	Sig
بین گروهی	۲۰۰/۹۹۶	۴	۵۰/۲۴	۱۵/۳۳	۰/۰۰۰
درون گروهی	۱۲۲۵/۸۷	۳۷۴	۳/۲۷		
جمع	۱۳۲۶/۸۷	۳۷۸			

براساس داده‌های جدول شماره (۴-۳)، میانگین افرادی که دارای ۳ فرزند می‌باشند (۱۵/۸۶) بیشتر از میانگین افرادی است که بدون فرزند (۱۳/۲۳)، ۱ فرزند (۱۴/۴۴)، ۲ فرزند (۱۵/۰۶)، ۴ فرزند و بیشتر (۱۵/۳۰) می‌باشند. براساس داده‌های جدول شماره (۴-۴) تفاوت مشاهده شده بین ۵ میانگین بر اساس آزمون F با مقدار (۱۵/۳۳) در سطح ۹۵٪، ($p=0/000$) معنی‌دار است یعنی ($p<0/05$).

در هر مرحله‌ای از زندگی که فرزندی به خانواده اضافه می‌شود نه تنها مشکلات اقتصادی خانواده افزایش می‌یابد، بلکه مسکن آنها نیز فضای کافی ندارد

و اکثر خانواده ها تمایل دارند با فرزندان خود در مسکنی با فضای مناسب و کافی زندگی کنند.

فرضیه شماره ۳: به نظر می رسد بین وضعیت اقتصادی و نیاز به مسکن رابطه معناداری وجود دارد .

جدول شماره ۴-۵: میانگین و انحراف معیار نیاز به مسکن بر حسب وضعیت اقتصادی

وضعیت اقتصادی	فراوانی	میانگین	انحراف معیار
وضعیت اقتصادی بالا	۳۸	۱۵/۷۶	۱/۵۶
وضعیت اقتصادی متوسط	۱۳۳	۱۵/۶۰	۱/۹۹
وضعیت اقتصادی پایین	۲۰۹	۱۴/۴۳	۱/۸۰
جمع	۳۸۰	۱۴/۹۸	۱/۹۴

جدول شماره ۴-۶: نتایج آزمون تحلیل واریانس نیاز به مسکن بر حسب وضعیت اقتصادی

Sig	F	میانگین مجدورات	dF	مجموع مجدورات	
۰/۰۰۰	۱۹/۹۱	۶۸/۵۷	۲	۱۳۷/۱۴	بین گروهی
		۳/۴۳۰	۳۷۶	۱۲۸۹/۷۲	درون گروهی
			۳۷۸	۱۴۲۶/۸۷	جمع

با توجه به داده های جدول شماره (۴-۵) میانگین افرادی که وضعیت اقتصادی بالا دارند (۱۵/۷۶) بیشتر از میانگین افرادی است که وضعیت اقتصادی پایین (۱۴/۴۳) و متوسط (۱۵/۶۰) دارند. و براساس جدول شماره (۴-۶) تفاوت مشاهده شده بین ۳ میانگین بر اساس آزمون F با مقدار (۱۹/۹۱) در سطح ۰/۰۵، (p=0/000) معنی دار است یعنی (p<0/05) عبارتی دیگر نیاز به مسکن افرادی

که دارای وضعیت اقتصادی بالا می باشند بیش از افرادی است که وضعیت اقتصادی متوسط و پایین دارند.

رین واتر معتقد است: طبقات پایین مایلند در مسکن خود صرفه جویی کنند تا مازاد پول خود را برای تأمین نیازها و منافع دیگر مصرف نمایند. (دیکنز، ۱۳۷۷: ۱۷۱) در این پژوهش، اکثر پاسخگویان دارای وضعیت اقتصادی پایین، معتقد بودند: که ما به یک سر پناه کوچک نیز راضی هستیم هر چند اگر از لحاظ فضا و امکانات، مناسب نباشد. چون علاوه بر مسکن نیازهای دیگری نیز داریم که از داشتن مسکنی با معیارهای عالی مهمتر است و پاسخگویان دارای وضعیت اقتصادی بالا معتقد بودند: به دلیل اینکه هر کدام از فرزندان به فضای مناسب و مجزا نیاز دارند و توقعات آنان نیز زیاد می باشد، بنابراین با رشد فرزندان نیاز به مسکن جدید احساس می شود.

فرضیه شماره ۴: به نظر می رسد بین نوع شغل رئیس خانوار و نیاز به مسکن رابطه معناداری وجود دارد.

جدول شماره ۴-۷: میانگین و انحراف معیار نیاز به مسکن بر حسب نوع شغل رئیس خانوار

نوع شغل	فراوانی	میانگین	انحراف معیار
مشاغل طبقه بالا	۱۸	۱۶/۸۳	۱/۲۹
مشاغل طبقه متوسط	۲۴۴	۱۴/۹۶	۱/۹۳
مشاغل طبقه پایین	۶۹	۱۵/۰۷	۱/۸۰
جمع	۳۳۱	۱۷/۰۹	۱/۹۲

جدول شماره ۴-۸: نتایج آزمون تحلیل واریانس نیاز به مسکن بر حسب نوع شغل رئیس خانوار

مجموع مجذورات	df	میانگین مجذورات	F	sig
۵۸/۴۰	۲	۲۹/۲۰	۸/۲۳	۰/۰۰۰
۱۱۶۲/۸۷	۳۲۸	۳/۵۴		
۱۲۲۱/۲۸	۳۳۰			

با توجه به داده های جدول شماره (۴-۷)، میانگین افرادی که مشاغل طبقه بالا دارند (۱۶/۸۳) بیشتر از میانگین افرادی است که مشاغل طبقه متوسط (۱۴/۹۶) و پایین (۱۵/۰۷) دارند. و براساس جدول شماره (۴-۸) تفاوت مشاهده شده بین ۳ میانگین بر اساس آزمون F با مقدار (۸/۲۳) در سطح ۰/۹۵، ($p=0/000$) معنی دار است یعنی $p<0/05$. عبارتی دیگر نیاز به مسکن افرادی که مشاغل طبقه بالا دارند بیش از افرادی است که مشاغل طبقه متوسط و پایین دارند.

پال معتقد است: در واقع خانواده های مرفه و دارای مشاغل طبقه بالا از خود مختاری و خود بسندگی برخوردار هستند و دلیل آن این است که این قشر از مردم قادرند تجهیزات و وسایل لازم را در اختیار داشته باشند. (دیکنز، ۱۳۷۷:۱۶۲)

اکثر پاسخگویان دارای مشاغل طبقه بالا معتقد بودند که خانه یکی از معیارهایی است که برای فرد منزلت اجتماعی و امنیت را به دنبال می آورد و نیاز به مسکنی با معیارهای عالی را احساس می کردند. و پاسخگویانی که دارای مشاغل طبقه پایین بودند از مسکن به عنوان سرپناه یاد می کردند و امکانات و معماری برتر برای آنها مهم نبود.

فرضیه شماره ۵: به نظر می رسد بین منزلت اجتماعی و نیاز به مسکن رابطه معناداری وجود دارد.

جدول شماره ۴-۹: میانگین و انحراف معیار نیاز به مسکن بر حسب منزلت

انحراف معیار	میانگین	فراوانی	منزلت اجتماعی
۱/۷۷	۱۵/۹۰	۵۴	منزلت اجتماعی بالا
۱/۹۸	۱۴/۹۵	۱۸۳	منزلت اجتماعی متوسط
۱/۷۸	۱۴/۸۸	۹۴	منزلت اجتماعی پایین
۱/۹۲	۱۵/۰۹	۳۳۱	جمع

جدول شماره ۴-۱۰: نتایج آزمون تحلیل واریانس نیاز به مسکن بر حسب منزلت اجتماعی

Sig	F	میانگین مجذورات	df	مجموع مجذورات	
۰/۰۰۳	۶/۰۴	۲۱/۶۹	۲	۴۳/۳۸	بین گروهی
		۳/۵۹	۳۲۸	۱۱۷۷/۹۰	درون گروهی
			۳۳۰	۱۲۲۱/۲۸	جمع

با توجه به داده های جدول شماره (۴-۹)، میانگین افرادی که منزلت اجتماعی بالا دارند (۱۵/۹۰) بیشتر از میانگین افرادی است که منزلت اجتماعی متوسط (۱۴/۹۵) و پایین (۱۴/۸۸) دارند. و براساس جدول شماره (۴-۱۰)، تفاوت مشاهده شده بین ۳ میانگین بر اساس آزمون F با مقدار (۶/۰۴) در سطح ۰/۹۵، (P=0/003) معنی دار است یعنی $p < 0/05$. عبارتی دیگر نیاز به مسکن خانوارهایی که منزلت اجتماعی بالا دارند بیش از افرادی است که منزلت اجتماعی متوسط و پایین دارند.

نتیجه گیری

مسکن یکی از نیازهای اصلی مردم است که بعنوان محلی برای حفاظت انسان از عوامل و نیروهای طبیعی می باشد و همچنین محلی برای به کمال رسیدن روح او و کانونی برای جهشهای بین افراد خانواده به شمار می رود. با توجه به مطالعات انجام شده عوامل موثر بر نیاز به مسکن عبارتند از:

رشد جمعیت و رشد خانوار، تغییر شکل خانواده، مراحل دور زندگی، افزایش نسبت شهر نشینی و ...

با توجه به تغییر شکل خانواده و رواج برنامه های تنظیم خانواده بعد خانوار رو به کاهش و تعداد خانوار رو به افزایش است. قاعدتا ما از جهت تعداد خانه نیاز به تعداد خانه های بیشتری در کشور داریم ولی از جهت سطح و مترژ مورد نیاز برای سکونت خانوار نیاز به سطح کمتری برای هر واحد مسکونی داریم و از حیث اقتصاد خانوار به دلیل اینکه خانواده های متقاضیان مسکن عمدتا خانواده های جوان هستند که پس انداز کمتری دارند و تازه وارد عرصه کار و اشتغال می شوند و نیز تازه شروع به پس انداز می کنند نیاز به آنچنان الگوهای اقتصادی می باشد که هم در سطح کلان بتواند منابع لازم برای تحرک اقتصادی را فراهم کند که بخش ساختمان منابع مالی کافی برای سرمایه گذاری در این بخش را در اختیار داشته باشد و هم از حیث اقتصاد خانوار امکان تامین مالی و قدرت خرید خانوار، برای خانه دار شدن فراهم شود. در یک دید جامع و کلی می توان گفت روند هسته ای شدن خانوار در اکثر جوامع و کشور های جهان امری است مشهود و غیر قابل انکار. الگوی مصرف مسکن در روند تکاملی به سمت کوچک شدن گرایش داشته است بطوری که امروزه از مساکنی با سطح زیر بنای ۴۰ متر مربع نیز صحبت به میان آمده است. در این پژوهش براساس دیدگاهها و نظریه های مختلف، شناخت عوامل موثر بر نیاز به مسکن از طریق تنظیم فرضیه ها و طرح سوالاتی مناسب برای سنجش متغیرها انجام شد. فرضیه ها با استفاده از آزمون t و آزمون تحلیل واریانس (F) مورد سنجش قرار گرفتند و نتایج بدست آمده حاکی از آن است بین تغییر شکل خانواده، گردش مراحل دور زندگی، وضعیت اقتصادی، نوع شغل رئیس خانوار، منزلت اجتماعی و نیاز به مسکن رابطه معنی داری وجود دارد.

منابع:

۱. ابن خلدون، عبد الرحمن، مقدمه ابن خلدون، ترجمه پرویز گنابادی، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۶۲
 ۲. اعزازی، شهلا، جامعه شناسی خانواده با تاکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر، انتشارات روشنگران، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۰
 ۳. بیرامی، منصور، خانواده و آسیب شناسی آن، انتشارات آیدین، تبریز، ۱۳۷۸
 ۴. تقوی، نعمت ا...، جامعه شناسی خانواده، دانشگاه پیام نور، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۶
 ۵. حاجی آفایی، لیلا، بررسی تاثیر وضعیت اقتصادی خانواده بر انحرافات خاص فرزندان (دختران مقطع دبیرستان) پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی دانشگاه آزاد اسلامی، دهاقان ۱۳۸۲
 ۶. دانش جعفری، داوود و دیگران، "بر آورد تابع تقاضای مسکن با توجه به ترکیب سنی جمعیت در ایران (مجموعه مقالات سومین سمینار سیاستهای توسعه مسکن در ایران) جلد اول، انتشارات وزارت مسکن و شهر سازی، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۵
 ۷. دهقان، مهدی، مسکن و ابعاد نظری آن، فصلنامه مسکن و انقلاب، شماره ۱۰۳، صفحه ۵۷، انتشارات شریف، ۱۳۸۲
 ۸. دیکنز، پیتر، جامعه شناسی شهری (جامعه، اجتماع محلی و طبیعت انسانی)، ترجمه حسن بهروان، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، چاپ اول، ۱۳۷۷
 ۹. زنجانی، حبیب ا...، "بر آورد نیاز به مسکن در ۲۰ سال آینده (۱۳۹۳ - ۱۳۷۳)"، مجموعه مقالات سمینار سیاستهای توسعه مسکن در ایران، انتشارات وزارت مسکن و شهر سازی، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۳
 ۱۰. ساروخانی، باقر، مقدمه ای بر جامعه شناسی خانواده، انتشارات سروش، چاپ سوم، تهران، ۱۳۷۹
 ۱۱. سازمان برنامه و بودجه، نیازها و تقاضای مسکن: روشهای بر آورد و شناخت مسائل، انتشارات دفتر روشهای برنامه ریزی و تلفیق برنامه ها، تهران، چاپ اول، ۱۳۵۷
 ۱۲. سازمان ملی جوانان، بررسی وضعیت مسکن جوانان، انتشارات مؤسسه فرهنگی اهل قلم، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۱
 ۱۳. شیخی، محمد تقی، ۱۳۸۰، جامعه شناسی زنان و خانواده، چاپ اول، تهران، انتشارات شرکت سهامی انتشار
 ۱۴. غزالی، امام محمد، کیمیای سعادت، مؤسسه فرهنگی اهل قلم، تهران، ۱۳۴۵
- کوئن، بروس، مبانی جامعه شناسی، ترجمه غلامعباس توسلی، انتشارات سمت، چاپ هشتم، ۱۳۷۶

- ۱۵- گیلبرت، آلن و جوزف گاگلر، شهرها، فقر و توسعه (شهرنشینی در جهان سوم)، ترجمه پرویز کریمی ناصری، انتشارات سمت، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۵
۱۶. مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵ (نتایج تفصیلی کل کشور)، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۶
۱۷. مهاجرانی، علی اصغر، جزوه درسی جمعیت شناسی ایران، ۱۳۸۰
۱۸. وثوقی، منصور و علی اکبر نیک خلق، مبانی جامعه شناسی، انتشارات خردمند، تهران، ۱۳۷۰



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی